



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه (۲۸) فروردین ماه ۱۳۲۵

- فهرست مطالب :**
- ۱ - قرائت اسمی غالبین جلّه قبل.
 - ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان سیفی - کیهان یغمانی - سر تیب حکیمیان - ۲ - تصویب صورت جلّه .
 - ۳ - تقدیم يك فتره طرح قانونی یوسله آقاي دکتر سعید .
 - ۵ - طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه سال ۱۳۲۵ کل کشور .
 - ۶ - تعیین موقع جلسه آینده ختم جلّه .

مجلس ساعت نهم بجای آمد مهندس عبدالله راضی تشکیل کردید

غالبین مرضی - آقایان :

حیری - تیمار همایونی - فولادوند - دکتر مبین - رجائی - صفریور - رهبر - دکتر فریود - موقر - حاجبی - دکتر اسفندیاری - اولیاء - مهندس مالک .

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان سیفی - کیهان یغمانی - سر تیب حکیمیان

رئیس - نطق های قبل از دستور را شروع میکنم آقای سیفی تشریف بیاورید .

سیفی - بنده مختصراً بچند مسافرتی که در عرض یکی دو ماه گذشته نسیم شد اشاره میکنم . دیروز بنا به دعوت ستاد بزرگ ارتش تشریح در خدمت عمدهای از نایبندگان محترم برای مشاهده و بازدید پایگاه وحدتی رفته بودیم روح شامیرستی و عرق طینی که در فرمانده پایگاه تیمسار نصیری زاد و فرد فرد افسران و درجه داران دیدیم هر امرایی را بغرور در میآورد (صحیح است) وقتی نطق میکردند و

۱ - قرائت اسمی غالبین جلّه قبل

رئیس - اسمی غالبین جلّه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غالبین با اجازه - آقایان :

دکتر خطیبی - خواجه نوری - مهندس صدقیانی - مهندس مبتدی - مهرزاد - اهری - زرگرزاده - دکتر شیانی - البرزی - مهندس والای - جارید - مبارکی - مهندس امیر قاسم معینی - دکتر حکیم شوتهری - سلیمانی کاشانی - طالبزاده رودسری - مهندس عطائی - اوزار - دکتر رشتی - حانقی .

غالبین بی اجازه - آقایان :

احتشامی - آموزگار - ابلخانی - دکتر یگانگی - آقایان - بختیار یغنیارها - رامبد - دکتر مصباحزاده - زهتاب فرد .

باشند و آرزوهای هر که از ایشان فراموش شود و میخواند
 سوره بروج، خود را از هر در میگذرد و سوره مبارکه
 اینکه تحت فرماندهی چنین شخصیت بزرگی در منطقه
 دزفول و در سایر استان های آن خطه مردمی مسلمان
 بودند و میگردیدند و آنها را در اختیار داشتند. هر
 گفت که چنین کارهایی بر سر شهروندی در فروردین
 افراد از پیش شناخته شده و مقامات تشکیلی مأمور
 افسران جوان خندان نمایش هالی که با هویت های
 جت تکلیفی برای نشان دادن گمان محترمانه میدادند
 و آنها قابل ستایش و تقدیر بود که نمونای از بهشت
 واقع در ایران و اندامه اشخاص آفریده که با مشفق
 بدی هستند نتوانند حق مسلم آنرا در گذارند روز
 ساز گشته که در روز ولادت شمه داشته اند قدید ، سازنده
 ایران توین بود برای افتخار شمه داشته اند کارگر
 اتفاق آفریده بود و در عمل ملاک - بی نظیر عزیز
 کردیم من از طرف سوهو کارکن ایران سبکساز ارجمند
 ایران تقدیر میابان داشته آرزوهای سبب کارکن
 که این سبب و از جمله کمی که در کارکن میبود
 بسیار بیشتر بود و از این جهت یادمان بماند که کارکن
 کارکن این ماست اصعب است اما از طرف ملت و
 مردم گرامی نیابت گرامی خوب و معینی را که در این
 مملکت ایستاده بودند توصیف کنیم ، از خدمتگزاران
 آن دستگاه است که همیشه در خدمت مملکت بوده اند
 ملت و شاهنشاه شوق بود ما در خدمت هستیم که افکار
 در حدود سی و چهار نفر از کارکنان کشور ما با رضای
 کارکنان رفاه کارکنان صاحب خود هستند اصعب است در سال
 گشته ما شکر کارکنان در دست مبلین توین خدمت
 کارگر واد داده ام از راه ضروری با وام خرید خانه یا
 تکمیل و با تعمیر خانه من میخوانم زیاد افتد که به
 وضعیت این بانک خوب خیلی وقت میخواند ملی اجلا
 تشکر میکنم از انصاف که ملاقاته هر روز میخوانم
 شاهنشاه آرزوهای کسی هست به خدمت مردم بشناسد و
 میانداند آنها که خدمتگزار هستند پادشاه خدمتگزار
 خود را خواهد کرد فراموشی مردم گرامی این کشور
 من از مدیرعامل بانک ملت میگویم که چندان تشکر
 میکنم ، عید و بیطیای شد گرامی از زیارت حضرت رضا
 تمام آن گرامی به من عرض میفرمودند که ما با افتخار کشور

مانده است این است که گویا امید ما سازگار هر صدها نفر
 زور در منطقه بودند که اهل منطقه میگردیدند
 چنین ماهی داشته است (صحیح است) ولی آنچه که
 سزای مبادت خویش یعنی انتقام است برای او بسیار
 آتش زور بود و در واقع در خیابان سوره احسان
 نیکوید اینها صدها نفر سوار است ولی وقت در
 حرم معمر میبود احسان میگردید که به چهره استولی
 ما این وصف من از استاد خورشان تشکر میکنم و از
 شهردار آنجا که اینها را استیضاح می مردم محبتش
 مردم درگ میکنند و خدمت خود را تشخیص میدهند
 هر کسی ما عمل خود صرف خود است من و وظیفه
 خود بدانم از اینهمه مسائل آسایش که برای زوار
 تهیه کرده بودند و رعایت مردم را در مشهد فراهم
 بودند از جهت اینها استاد و شهردار هر چه در اینها
 تشکر کنم و امیدوارم خلوده شود بدهد به کسی که
 خالصه در راه خدمت شاهنشاه و مردم مشغول
 (احسن) خدمت بسیار نامطلوب استاد خورشان
 شریف میگردیدم در آن وقت حسب سابق بیخه ما ایشان
 فرات میبودند که از بر سرشان آمدید من در دیدم با یک
 و چون باقی میخواند از تعداد سوال کردم که این نامه
 چیست گفت نمای از سرم رسیده که در دو گیان
 مهندس ژرفویزیک و متغول من در راه وراج است
 آید آن خدمتگزاران که غایب من نان و نمک است
 و هر وقت میخوانم غفا خودم قتره از کردی خاندان
 طاهران روز غفا میباشند ولی تشکر که در این گوشه از
 کشور شاهنشاه آرزوهای خرم است و وجود برای
 خدمت مردم و قوت پادشاه اینها و آنها قابل تقدیر است
 مایهینین قیافه مملکت و قیافه خدمتگزاران مملکت توین
 عملتان چگونه کرده است که پس میباید نامطلوب
 در دو گیان در یک خدمت من از اینکه مشغول
 خدمت مردم است و بدینوسیله میخوانم شاهنشاه
 عظیم الشان ما را همیشه از خانواده خودت
 زامنی سبک خواهد داد ، در دینار وقتی جنبه
 تشکیل شده بود روز ۲۰ اسفند بود در دسته استاد
 مختلف متخرن گان در نیک نیک ایلی حسبه شاهنشاه
 قید رضا شاه کی بود در نیک جلدای تشکیل شد و سعادت
 شد آری بر این استاد فارسی سال گشته مستند و ستان

درست فراق اینچنین کرده اند قابل تقدیر است
 مدنک ما با سرعت عجیب پیشرفت میکند ما با سستی
 متخرن ما به این معیاران ماست گفت خود ما مردم داشته
 چه خدمات میدی با چه سر می در کشور اصعب میبود
 ما در دستاردهای مردم یک کمیوسنی یک عدای ذریع و
 کشنده روزی زیاد کرده و از آفریننده پریمید اینها
 که هستند ایشان فرمودند اینها تقاضای داشتند چون
 میبودند داشته اند و همیشه اینها و دیگر برای آنها فرستادم
 آسایش که نشانمان را بخواهند ذراع آمده بود داشته
 بود مقابل استاد با کمال خوشی و در اختیار
 تقاضای خوشی را از استاد میگردید و چه خوشی روزی
 آفریند آری آنها استاد میگردید و آنها از افتخارات
 ایشان تشکر میکنم بسیار که در خدمتشان فرجه نیست
 موفق باشند روحانی - مورد نیابت شاهنشاه می قرار
 گرفته اند و در وقت نشان شده) صحیح است معین
 که ما میفرماید الحافظ گشت زمان هر چه را در
 استودا متنک داده است و دیگر مکتب ایران یکی اجاره
 ندمید هر روز دولتی هر روز در یکی دوسر که میبود
 امروز تمام است متقد هستند بر اینکه پیشرفت
 ضایل و ثبات و امنیت مکتب نظری که در کشور ما موجود
 است بسگی دارد زحمت بسیار دارد و هر طریق ما
 شاهنشاه آرزوهای (صحیح است) و بعد هر گوشه مملکت
 با خانواده ها گوی وجود جنبه پادشاهی صحیح است
 است) افتخار میگردید که در سال گشته در ۲۹ فروردین
 سبب خانواده در سر سازگار کردید مردم مرحوم استاد
 با پایان و مرحوم استوار لشکری افتخار میگردید که بود که
 این افتخار در تاریخ کشور و در فرهنگ خودمان
 خواهد بود (صحیح است) آدمی - خدا در خدمت کند
 من در خدمت مستقیم بروج میاک این سرزبان شید و بعد
 (احسن) و از خداوند تعالی مسلمان بنیاد لطف بر اینها
 خوش را مانده گشته همیشه برای سلاخی و مودقیت
 شاهنشاه عزیزان میبود و باید بود و بعد از آنکه
 جلیل سلطنت را برای ملت ایران همیشه سلامت و گرامی
 نگه دارد (ان شاء الله) امیدوارم منت لطف خداوند توفیق
 و عنایتی بر ما فرماید تا ماند گشته خواهد بود ما
 خدمت ما در خدمت پادشاهان و ملین و عزیز بر اینها
 میبود و در همین پرستی خودمان میفرماید عرضی ندارم
 متشکر (احسن است)

رئیس - آقای کههان بدعای فرماید
کههان بضالی - تا کس اجازه از مقام مشرف
 ریاست و همکاران بر این بنده فلا و بقیه و از این لفظ
 و محنتی که مکن عزیز خدایا آقای سبب فراموش آن
 از این فرمودند تشکر کنم ، کرا از درودت این ترمین
 عرض کرده دواش ملایم را زنده نگه میدارد برلی
 تشویق بسا بکنی بقیه باقی استاد خورشان
 است با کمال صحیح اصل ، خدمتگزار ، علق خدمت
 شهردار ما شهردار است ایضا ، تفصیلاً در گذارند مشاق
 خدمت مردم که مردم شهید بطور کلی همیشه نسبت به
 ایشان دوست و بیست و هفتاد تن تقدیر کرده اند بطرف
 ایشان هستند و یکی از افتخارات علاوه در منطقه و کلات
 ماهین مهندس شهروندی است که آقای سبب است
 و از برینده رسوا نیستند هر کسی بر ایشان
 بسوس حضرت رضا مشرف شده است
 طرز اداره شهر ، وضع تقاطع و خواری بنا و ملاحظه
 فرمودند سخنان اینجاب میگردید و بنده هم
 خودم خیلی کمی که مکن ماضی ما نمایند گن
 خورشان باشد که از خدمت این مرد شایسته و لایق تقدیر
 و تمسین بکنند خداوند به ایشان سلامتی بدهد که به
 بیروزی از زبان عالی شاهنشاه بتوانند هر روز توفیق
 بیشتر در خدمت حاصل کنند ، موضوع دوم که
 آقای سبب است ایضا فرمودند ولی تشکر هم
 خودم با اجازه همکاران عزیز و دوستان محترم که در روز
 در خدمتشان باقی بماند و صدی پندم کردن بدن شایسته باز
 برامان همان سخنان بسیار تشکر گرامی از انصاف
 خدمت میکنند و باید تشکر خدمت شواد بنده و بقیه
 دارم هم بر سرانم دیروز بیست و سیار خوش و کمبود
 بسیار میبود ، از روز اراده ای بود برای آقایان
 بدعای گرامی بکنم و بعد از او بدین کارکنان که
 سعاری سوزان با بلشده که نسبتاً سبب بکشت سران
 از چنان گشته به بیرونی از زبان عالی من گنج نشانان
 فرمادند شاهنشاه آرزوهای تمام زگر و هستی خوشان
 را بوقصدت من از برای این که مراد اصعب است
 در چیز بیش از هر چیز دیگر در این محیط سران میبودم
 میبود یعنی شاه ، بر سر همین زان این بر اینها
 مفهومی داشت با حد حقوق ، با وسایل نسبتاً متداول

و زندگی متوسط در یک سال خشک، سه مرتب خشکتابا
 را همواره و در همه ایام به هر مرزهای مختلفه درازتر کنترل
 و در زمین وقت مبارک در راه چاشقو و علاقه‌های وساری
 میگردد. یکسری برنده ای تنظیم میشد. جوانهای
 مسلکات و دانشجویان با هم میرفتند از
 زواید نیمه فدائری و مشق شاعری و مین برستی
 تا به همه میگردد اصحیح است. تطبیقات با هم باغی
 وسایل داعی فوق العاده آورده و مجسم و فوق العاده نوی
 و بنده حیوانات که فرمودند احسان غرور و امینت کرده
 و خطی خوشخانتر شدم. بحادیات شناخته آریا مهر ما
 درایچه که حیوانات همین هوایی و زمین و پاسداری از
 مرزهای خودمان تنبیه و محبت است که ما درای چشم
 امینت و بیات و آرایش در مملکت شغایم و یک قسمتی
 مدیون جایزای این سربازان مستم و حافظوں که اسم
 برودن بر فغاندهی تیسار مسعود تیبی را در برابر آقایان
 اقران خطابه‌های وزیده و جوان علیات با قاصب
 آوری میگردد که بنده خیال نمیکند در خطبی از کشور
 های بیشتره همینقدر فداکاری و از خود کشتگی اسلا
 امکان داشته باشد. بهر حال بنده از طرف خود و آقایانکه
 در برون آید بودند و بزرگوار کردند. انچه در ایام میلشکر
 کم از تیسار رئیس ستاد بزرگ ارستارخان تیسار
 تنظیم ملایم محترم و وزارت جنگ که این ریسمان را
 تکلیف فرمودند (استمدی - تیسار کلبه‌های و همچنین
 تیسار گلادی (صحیح است) البته این یفرمای سربازی
 بود هم همین باب تیسار سیار با خوش گذشتن و بادیوار
 حافظوں که پادشاه آریا را بدیدم و اسباب هدیهام و شاهد
 همراهم بیشتر از اطلاق تمیزات از جهت تقویت بود
 از هر جهت بهتر شده است امیدوارم روز برون دولت یوم
 بشود موفقیت بیشتر این سربازان فداکار را در خدمت به
 شناخته آریا مهر و بهیچ از خداوند مثال خواهانم
 مطلب سوم با اجازه نسانیدنگان خراسان
 اصحیح میوه دانسته کتلورزی مشهد است
 هر روز که بر نامه انقلاب شامولت به ترمیم مسویر نامه
 حقن اصلاحات رضی در به جلوه میروند با نظرون مسوس
 است که ما به مهندس کتلورزی بیشتر احتیاج داریم و ما

کمال تأسف تا اکنون آتی که ناماندهگان خراسان چه
 حاضر آقای روحانی آقای مهندس اخوانچه چه حاضر
 مهندس کرامی همه بهم خوشتر آید چنانکه گفته اند بنده
 هر بارها از پشت این تریبون عرض کرده ام مشاهده داشته‌ام که
 کتلورزی لازم دارد مشهد منقطع است کتلورزی و
 مستند ولی متفانه ما این قسم توجیه نشده و تا آنجا
 که بنده اطلاع دارم با آنکه بنده ندانم اغلب مسویر نامه‌های
 ایارمو گنگ صادر فرمودند از خراسان بدانند که خراسان
 در اختیار شرفیای مسویر شاخته و در مشهد شمن بر نیامی
 از حضور مبارک ناستند اگر کدام که در این مسعود لطفی
 بر میآید و ادارای مهندس ملیرتبه است و بنده از تریون تقاضا
 دارم و از جناب آقای مهندس خدیویه که اینجا متصرف
 دارند بخانداری عرض نمایند که این اسباب و اسب و مسویر
 برساند و ناستند میشود نظایر همراه و سایر اطلاعات کار
 فراهم کرده که از اول همراه داشته کتلورزی مشهد
 بتواند کار خویش را شروع کند و بنده کمبودش را بسیار
 میکنم که یک مقداری مزاج ماکیزه کمبودش را بسیار
 اطلاق بنده و ملت بوجود آمده الان شدیداً احتیاج به
 مهندس کتلورزی دارم و لازم و هر چه غالب کردیم مهندس
 کتلورزی پیدا نتوانیم مهندس کتلورزی کم داریم و
 ناچار ششمان بیابان بیگانه دارند از آن است و حاجی گمان
 شانس است که چند مهندس کتلورزی از خفرنگ وارد میام
 آوردن طامان بر به هم در جواب نامانندگان خراسان
 نمیتواند مملکت احتیاج به مهندس کتلورزی ندارد
 (مهندس اخوان - اقتضای کرده اند) حتماً اقتضای کرده اند
 آقایان شما بهتر میدانید یک بر نامه قطعی یک بر نامه
 فرستادیم در مملکت ما در حال بی شرف و اجرا است و این
 بر نامه مختار به مهندس وارد احتیاج به مرد با اطلاع
 دارد اگر این مهندس مهندس است و ما طامان خود
 سابق در مراحل اولیه پیش رود با بر نامه مقررمانند
 اطلاق تطبیق نمیکند. در این اطلاق مهندسین تحصیل
 کرده است بنده امیدوارم چگونه یک شاسان سازمان
 بر نامه تقویم کردیم این مونسوس مردم داد میام
 فایده ندارد از جناب آقای مهندس خدیویه تقاضا میکنم
 قدر بدین معنی تا من نامه کماله کماله مهندسین کتلورزی

استیاجدار کار مردم در دست ایشان است مسویر است و در ایام
 میدانید مسلک چند تا مهندس کتلورزی دارد این
 استمدی سه اسه است چون جناب تیسار شکیس شریف
 آوردند بنده نام مینامی مجدداً تفکر یک در خوشتر
 و راستد بزرگ ارستارخان که با زداید آریا یکمه حادی
 بر نامه بسیار جالبه ای مایور و مسویر موجب اختصار ملت
 ایران است توفیق بیشتر ستود بزرگ ارستارخان را از
 خداوند ستار در این گروه خدمات خواستارم (احتساف)
 وقی - تیسار حکیمان فریادید
 سر تبه حکیمان - بنده آریه مخواستم بر من
 حکیمان سترم برسانم بلادشت کردم که بر من برسانم
 یعنی فکر میکردم از طرف آقای سینی و آقای کیهان
 بشاقت نسبت با غلطی است این باعث میگردد ارستار
 داده میشود این بود که این قسم را با بدادشت نکردم
 در روز وقتی که بنده دیدم در خدمتت افراد تحصیل کرده
 ایرانی متعلق کوشی و جستجوی نگارنده خدمتت حفظان
 این اربابان احسان غریب کردم نگارنده که بنده
 میخواستم عرض کنم این است که بنده مینبیس سالها است
 در این تواری بوسیله خرنجیها این کارها انجام میداند که
 استمدی - با بدجلو گیری شود) حالا کما لائو در تحصیل
 کرده و در مریضخانه آقای که در برون توجیه است
 این مهندس میوه استمدی - آقای که کتر تکلیفان متمم
 کشته اند. آقای دکتر کلان نیز مریض بهر محض
 و تمسیر کرده ای هستند و اگر در وزارت فرهنگ و هنر
 که آقای سلون در این فرهنگ و هنر هم که این جا
 تشریف دارد مطالباتی بشود که مان قوتها بوسیله خود
 اربابها انجام شود بسیار بسیار با استعداد و تکدیگری
 که میخواستم عرض کنم و بدادشت کردم این است
 کمند در خدمت این دو سال و دو هفت که متفق بود
 عراضی در مورد ضمیمه کهای منطقه کتلورزی مریض
 برساندم و در این خدمت توجیهی از طرف دولت به
 این مسئله منتهی شده است چون از حد جنلی اخلاقی
 قید و سلطنت بر شکوه سلسله مستم بپای توجیه آمه
 سابق خانق کتلورزی از کرده این منتهی نمودم و در آری
 راجت کردید که با قائلان نامولف خود متوجه شد
 پای ولی از شش ماه چمن نام ۴۱ این منطقه به وزارت
 شری و جمعیت ۱۰۰ هزار نفری آنجا منتهی شرایط مورد
 توجه واقع با اینکه در بر نامه اول - دوم و سوم

هیچگونه که من از این منطقه بودی از سال ۳۴ اجرات
 انقلاب اسیر شد ملت در این نقطه نیز خطی و اقدامات
 عراقی شمدی اسام - منتهی چون باستی عراقی در
 این منطقه از سفر شروع شود با توجه به اینکه برمدت
 چهل سال گذشته چنین منطقه‌ای توانستند مواهب من
 فوجک آپلوریک کنند و باید استفاده نمایند لذا جریان
 عرصه‌اند کهای گذشته مستلزم توجهات بیشتر است که
 امپوریار با بنایات غلط ملایم کما صورت تحقق بشود کرد
 و کیکلیوه و بر اهرام شد مانند سایر قطعه کوشور
 مواهب تمدن و عمران آبادی استفاده نماید و وضع فعل
 آن که مستغنه در مشورتهای این فرمائوری کل حتی
 تشکیل گروهی مفسد و دیگر کمبود مهندسین که کونکوت
 وزیدگی را بر معنای بی باک و تشکیل دستور اجبلوات
 و تیبیل بهی و توستایی و
 ایجلو مراکز خرسنیا و بشتها و دصت
 بیوسو با ایجلو ادارات سلمی که بوجود آمدند
 آهناسترم ایجلو ادارات و احداث ساختنهای
 دولتی و در حقیقت احداث هسته‌های مرکزی برای اسکان
 عنایر و ایلات منقطع انقلاب بزرگ و جهت تسلط
 شد ملت دادند متضامین مقرر سرید من در اینها علم
 دیگر بر مینه خانه‌های سازمانی این منطقه را که در زمان
 دولت جناب آقای اسلاف علم ۳۴ باب پیش بینی شده
 بود ولی پس از ازیاد وزارت آگاهی ممکن قطع به
 باب خانه آرم در بدو مسج و تازه بصورت خالی تخلیه اند
 شد و در آریه وقتا متضامین حافظوں که مقام نخست
 وزیرین چندین بار فغانا نوماد و انگاری و پاچرای
 بر نامه سابق وزارت آنادوسی ممکن نسبت به احداث
 خانه‌های سازمانی توجه عاجلی مشول با کمکها این منطقه
 وسیع و جمعیت گران تری در اداریات مختلف شود
 دیگر یک قدر از انهایی کیکلیوه بر جزئی کاری کمند
 داد گلدار دعویور دولتی ۳۴ کیلومتره آباد کهای
 کتلورزی و بهیچان امرامه نماید و در این منطقه بوسیله
 نبوند یک جخریشی و با نگرانی مردم شری از این در
 ناراضی بانی ناستند حکان عزیز در مراکز شهرتست
 این فرمائوری را کما ما آبادیای خود داند در تمام ادارات
 مریوطه در خدمت کچسانان مورد موقت باقی و نقد
 فرمائوران شهرستان مسوج و در خدمت در مراکز مریوطه
 متشر کیتنبره جادان دیگر خود داند قادر انجام

۴- تقدیر بکثرت طرح قانونی بوسیله آقای

ولفس - وزارت دستور مشورته آقای دکتر سعید فرزند شهید

دکتر سعید - با احترام مفاد محترم دربارت و نمایندگان محترم حاضر بر یک همکاران عزیز اطلاع دارند امروز در اغلب مصالحتات متفرقی و بیطرفانه دنیا برای رسیدگی به تضلمات پزشکی و غیر پزشکی و رابطه بین پزشکان و بیماران و دانشمندان قانونی شرف علم و نظارت پزشکی وجود دارد در ایران در سال ۱۳۳۹ قانون نظارت پزشکی از تصویب مجلسین گذشت متمهای امرانی بطلب مسایب و نواقصی که داشت تا اکنون ادامه یافته و دیگر یکسکه که این مطلب بشمول موضوع شایسی و حسان خواهد بود پیشانیه ششماه آریامهر که صورتهاش بشاملو بود دارند دروزیر اقتصاد ایمن کلینیکهای ایران را احداث به این موضوع اشاره فرمودند که قانون پزشکی دارای نواقص و صوابی است که باید رفع شود و روی این اساس پزشکان و همکاران مترجم مجلس شورای ملی با کمک و مساعدت همکاران دیگر که در خارج از مجلسین بودند در یادگیری قوانین و مقررات که در مصالحت مشدن دنیا وجود دارد و همچنین مشورته و با مشورتی با حقوقی لایحه تطبیق پزشکی را تهیه کردند که شده اختصار داده خدمت مقام ریاست کتب و کتابهای خوب آرا از مجلس شورای ملی داده

ولفس - به کمیسیونهای مربوط ارجاع میشود.

۵- طرح گزارش کمیسیون بوجه طرح

ولفس - کمیسیون بوجه طرح که در تاریخ ۱۳۳۳ کل کشور بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور طرح است گزارش میشود.

ایشیح وزیر فرهنگ (دا) گزارش از کمیسیون بوجه مجلس شورای ملی کمیسیون بوجه درجلسات قدیمه با حضور آقای دکتر بنگاله و دسر مشورته و آقای دکتر آموزگار وزیر دارائی و سایر آقایان اعضاء هیات دولت و معاونان پارلمانی وزارتخانهها لاحضار در ۱۳۳۳ - ۱۳۳۲/۱۳۴۱ دولت راجع به ششم بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور را مورد رسیدگی قرارداد و با اصلاحاتی تصویب نمود.

ایشیح گزارش آرا مجلس شورای ملی تقدیر

ممنابند - مخر کمیسیون بوجه - کریم هرمی متمم بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور

ماده واحده - به درآمدهای عمومی و طبقه اندامه درآمد اختصاصی مشنور در بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور مبلغ یک میلیارد و هشتصد و بیست و دو میلیون و شصت و هفت هزار (۱۹۶۶۶۶۰۰۰۰) ریال طبق جدول پوست اضافه میگردد و به دولت اجازه داده میشود مبلغ یک میلیارد و هشتصد و هشتاد و هشت میلیون و سیصد و شصت و سه هزار (۱۳۸۸۳۳۰۰۰۰) ریال اضافه بشاملو و نیز وزارتخانهها و موسسات دولتی را طبق جدول زیوست - رعایت مقررات و قوانین مربوطه و تصریحهای زیر در دست نماید:

تصوه ۱- به سازمان بانکو کشتیرانی اجازه داده میشود که از محل درآمدهای اختصاصی خود تا مبلغ یکصد میلیون ریال در سال ۱۳۳۲ طبق مقررات مربوط صرف هزینه سرمایه‌های خود نماید.

تصوه ۲- وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ هشت میلیون و دویست هزار (۸۲۰۰۰۰۰۰) ریال و ام دریاچه آبادک که امونیسالی کتوری از خزانه دارینکل در سال ۱۳۳۲ را که برای ایران کسری یعنی مواد بوجه داده شده از محل درآمد صرفه جویی سایر مواد بوجه اداره مخر بوردجهان سال هزینه شود مشورته نماید.

تصوه ۳- وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ دویست و سی و دو میلیون (۲۳۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال بهی اداره کله غله بترک سابق بوردجهانی برای درآمد مقابلهایات درآمد دولتی ایران از ترک مخر مخر و مخر و مخر است از طرفی مات زین شنوان اداره کله غله و از طرف دیگر به سایر اعمسال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۳۹ راه آهن دولتی ایران مشنور نماید با این مبلغ درآمد مخر مخر ۱۹۰/۱۳۳۶/۱۳۳۵ و بوجه با اموان شنوانی را در حساب درآمدها مضمون کتور در سال ۱۳۳۹ محسوب دارد.

تصوه ۴- شنوان ۱ حقوق و عوارض گمرکی خود بوجههای انگاری است ۵ مذکور در بوجه ۳۳۰ قسمت

درآمد قانون اصلاحی بوجه سال ۱۳۳۳ کل کشور عبارت

مقررات وزارت معاشه و رفاه و از شنوان حقوق و حقوق کتور کی و مورد بزرگی کله غله و از بجهت خود بوردجهانی و انگاری ترش ۵ مذکور در بوجه ۲۱۳۰ قسمت هر چه قانون مخر بوردجهانی ۱۳۳۲ و از بجهت ۵ حقیق مشنور همچنین شنوان ششماه ۱۳۳۰ در آمد کله غله ۱۳۳۱ قسمت ۵ مخر بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور عبارت موسنور کانی اعانه میشود.

تصوه ۵- به وزارت راه اجازه داده میشود مبلغ ۸۱۲۶۳۷۵۰ ریال بشیخانه بیست میلیون ریالی که از اعتبار بوجه سال ۱۳۳۲ وزارت جنگ بشیخانه و اعتبارهای مورد نیاز برای عملیات اختصاصی و در اختیار آنوزیرتخانه گذاشته شده تا آخر خرداد ماه سال ۱۳۳۵ سرای حریص مشنور برای بابت مقررات مترجم صرف نماید.

تصوه ۶- ائمه شنوان روی ۴۳۱۳۰ قسمت هر چه قانون بوجه اصلاحی سال ۱۳۳۳ کل کشور به کمک به سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران بابت هزینه مربوط به مسابقات المیک ۵ اصلاح میشود.

به - به بوردجهانی (۳) سازمان تملیم و تربیت لنوهه رفاه (۱) ۱۳۲/۱۳۱ (۱) سازمان کله غله مترجم (۱) در وقت چهارم بوردجهانی جاری وزارتخانهها و موسسات دولتی قانون بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور کانه ۵ کله غله تا آخر جمله اضافه میگردد.

به - سازمان مشنور در بوجه ۱۰ قسمت هزینه بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور. شنوان کله غله و دانشگاه بهائی نقل میشود.

تصوه ۷- به وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ هجده میلیون ریال از کله غله شنوان وزارت معاشه و رفاه مضمون کمیسیون دانش جهت ساختن اقرا و کله غله مخصوص بجهت در اختیار وزارت راه گذاشته شده و صرف در بجهت هزینه قلطن مشنور نماید.

تصوه ۸- به وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ بیست و پنج میلیون ریال تا وزیر معاشه و رفاه برای عملیات ملی ایران در سال ۱۳۳۲ را از یکطرف راه گذارده شده و بوردجهانی مشنور در طرف دیگر جهت بجهت دولت مات برداشتختی از سرمایه شرکت مزبور احصای لنوهه و جمعا و خرجا عمل نماید.

تیمر بهائی که تاکنون شده بقون خود بوردجهانی است

تصوه ۹- بوجه حاصل از اجرای مقررات قانون تأمین بوردجهانی امور و موسس و موصیحتن آریامه ۱۳۳۰ به استثنای عوارض شهرداریها از همان تاریخه تا معما به تقطیع ششوزیران مصرف هزینههای ارجاع و درآمد عمومی را بوردجهانی عملیات تقصیر خواهد یافت.

تصوه ۱۰- از اول سال ۱۳۳۵ مبلغ یکسکزار ریال اضافه حقوق مسافران مربوط به رانندگان و نقلیها موضوع تصیم مخر ۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۳ کمیسیون بوجه مجلس شورای ملی گزارش حقوق درجه چهار تا ریزه شنوان مشنور میگردد.

تصوه ۱۱- مدت مخر در ماده ۵ قانون ترکر موسسات درمانی تا پایان سال ۱۳۳۵ تصیم مخر وزیرایان این مدت هیئت اختیارات مشنور مشوره قانون مذکور حق داشتن موسسات درمانی و پزشکی نخواسته داشت.

تصوه ۱۲- وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده میشود که مامده اختیارات تحسیرات آثار تفریحی را که در بوجه سال ۱۳۳۲ بشیخانه و بجهت طبیعت کراکشان صرف قلمی آنها فراهم نگردد است در سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۱ به بصادف بوردجهانی برانده و پیشانیه مورد استناد قرار بگیرد در آمد عمومی کل کشور کله غله خواهد شد.

تصوه ۱۳- سودهها با نقلی ملی ایران از سال ۱۳۳۲ و سودهها با نقلی مخر کی ایران از سال ۱۳۳۲ بعد درآمد عمومی مشنور خواهد شد.

تصوه ۱۴- مفاد تصوه ۹ قانون بوجه سال ۱۳۳۲ کل کشور برای عدلته سال تصیم میگردد.

تصوه ۱۵- دانشکده پزشکی و دانشگاه تهران مجاز است برای اداره هر کله غله کوهان سیندرستان بهائی هر سال از اعتبارات مصوب خود به تقصیر هیئت وزیران مجلسی شنوان کله غله اختیار جمیتره در آن هر کله غله کوهان بنگلاد که تحت نظر هیئت مدیره طبق استنامه جمیتره و بخارت شده مخر صرف میشود.

تصوه ۱۶- کله اختیارات مراکز آموزش کتوروزی (۱) دانشرا سابق کتوروزی (۱) دبیر شنوانی

که روزی از وزارت آموزش و پرورش منتقل و به وزارت که روزی انتقال می‌دهد

انتقال عسکری و ادبیت در وزارت و نیز وزارت و کار مراکز و نیز وزارت آموزش پرورش به وزارت کشاورزی خلق آیین نامه می خواهد بود که از طرف وزارت کشاورزی تنظیم و تصویب هشت دولت خود برسد.

تصیر ۱۶- به وزارت جنگ اجازه داده میشود استاد هزینه آن قسمت از زمینهای آب و برق یا سایر زمینهای هوایی متعلق و همسان آن که از محل درآمد وزارت جنگ تأمین و به مهندسی خلیج برای تکمیل تأسیسات یا سایر زمینهای مزبور اگذار شده بوزارت جنگ باشد.

تصیر ۱۸- به وزارت دارایی اجازه داده میشود از اقسانات سال ۱۳۲۵ معتمدین اصحاب مالیات باقی مانده بابت طبقات حای اقامه ملی را بسلامت نامشاهنشاهی خدمات اجتماعی برکت دهد و برای آرای اجناس قسمتی از برافرو سازه با سی و دو کیلوگرم بیشین کتف با مسط و دو سوم عمود فرنگی در اختیار سازمانهای کسب و معاش باشد که در تاریخ **تصیر ۱۹-** مقرر شد که ملی نفت ایران از اکتوبر ۱۹۳۰ میشود متعلق مکاتبات متداوله مورخه ۲۰ بهمن ۱۳۲۵

بین وزارت دارایی و شرکت ملی نفت ایران از تکلیف و اوضاع کسری سی و از طرف دیگر کم شدن شش میلیون لیره انگلیسی را بجهت وام بدون بهره از شرکت ملی نفت کسری سی و دو کیلوگرم بیشین کتف با مسط و دو سوم عمود فرنگی برای اجرای طرحهای عمران خودشان را تأمین کرده در وقت تقاضا عسبه تصریح شده منصرف از اوردن

درجه اول قسط صدای هر سه ماه از سیستم اوردن سال ۱۹۳۱ میلادی زمین وصولی های مربوط به وادع متعلق و بوجه دیگری که شرکت ملی نفت ایران در جریان کارهای مربوط باید بخزاند دولت پرداخت کند کردود: سر درمیهای مقرر و اوردن نماید وزارت دارایی متعلق و پرداخت نماید: که از طرف بانک مرکزی ایران براساس ضمانت فوق الذکر عمل آید یا بعد از آمدن عمومی کشور: فصدین خواهد نمود.

تصیر ۲۰- وزارت بهاری سازمان اسب معیار خراسان و سایر بخش تحقیقاتی بیادریهای دیگر بسلامت

بداند اقدام نمود و معاون از میوزم شاه دانشگاه پهلوی انتقال گیرد.

تصیر ۲۱- بوزارت اجازه داده میشود عسکری از دست نرساند و اگر کمشناسات جشن شاهنشاهی ایران بدون رعایت ترتیبات قانون محاسبات عمومی آیین نامه معاملات دولتی در خارج از کشور بطلب میسر نمود داخل و خارج از کشور بفرقی خواهد رسید پس از آنکه منظور برای سفر جشن شاهنشاهی در اختیار شورای مرکزی جشن شاهنشاهی قرار دهد.

آیین نامه اجرای این تبصره پس از تصویب هیئت وزیران مورد اجرا خواهد شد.

پیش بینی افزایش درآمد سال ۱۳۲۵

شماره طبقه بندی عنوان	مبالغ به هزار ریال
۱۱۰۰	مدرسه حقوق (فرهنگ)
۱۱۰۱	بهداشت
۱۱۰۲	مالیات بر شرکتها و
۱۱۰۳	شخصیهای حقوقی خصوصی
۱۱۰۴	مالیات بر شرکتها و
۱۱۰۵	شخصیهای حقوقی دولتی
۱۱۰۶	و بابت حقوق کار و
۱۱۰۷	مالیات مقابله کار و
۱۱۰۸	اجاره داران
۱۱۰۹	حقوق و عوارض گمرکی و
۱۱۱۰	وسود باندهای گمرکی
۱۱۱۱	آلات لوازم گمرکی
۱۱۱۲	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۱۳	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۱۴	اداره کل هواشناسی
۱۱۱۵	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۱۶	وسود باندهای گمرکی
۱۱۱۷	آلات لوازم گمرکی
۱۱۱۸	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۱۹	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۲۰	اداره کل هواشناسی
۱۱۲۱	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۲۲	وسود باندهای گمرکی
۱۱۲۳	آلات لوازم گمرکی
۱۱۲۴	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۲۵	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۲۶	اداره کل هواشناسی
۱۱۲۷	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۲۸	وسود باندهای گمرکی
۱۱۲۹	آلات لوازم گمرکی
۱۱۳۰	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۳۱	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۳۲	اداره کل هواشناسی
۱۱۳۳	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۳۴	وسود باندهای گمرکی
۱۱۳۵	آلات لوازم گمرکی
۱۱۳۶	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۳۷	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۳۸	اداره کل هواشناسی
۱۱۳۹	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۴۰	وسود باندهای گمرکی
۱۱۴۱	آلات لوازم گمرکی
۱۱۴۲	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۴۳	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۴۴	اداره کل هواشناسی
۱۱۴۵	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۴۶	وسود باندهای گمرکی
۱۱۴۷	آلات لوازم گمرکی
۱۱۴۸	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۴۹	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۵۰	اداره کل هواشناسی
۱۱۵۱	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۵۲	وسود باندهای گمرکی
۱۱۵۳	آلات لوازم گمرکی
۱۱۵۴	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۵۵	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۵۶	اداره کل هواشناسی
۱۱۵۷	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۵۸	وسود باندهای گمرکی
۱۱۵۹	آلات لوازم گمرکی
۱۱۶۰	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۶۱	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۶۲	اداره کل هواشناسی
۱۱۶۳	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۶۴	وسود باندهای گمرکی
۱۱۶۵	آلات لوازم گمرکی
۱۱۶۶	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۶۷	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۶۸	اداره کل هواشناسی
۱۱۶۹	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۷۰	وسود باندهای گمرکی
۱۱۷۱	آلات لوازم گمرکی
۱۱۷۲	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۷۳	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۷۴	اداره کل هواشناسی
۱۱۷۵	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۷۶	وسود باندهای گمرکی
۱۱۷۷	آلات لوازم گمرکی
۱۱۷۸	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۷۹	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۸۰	اداره کل هواشناسی
۱۱۸۱	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۸۲	وسود باندهای گمرکی
۱۱۸۳	آلات لوازم گمرکی
۱۱۸۴	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۸۵	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۸۶	اداره کل هواشناسی
۱۱۸۷	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۸۸	وسود باندهای گمرکی
۱۱۸۹	آلات لوازم گمرکی
۱۱۹۰	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۹۱	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۹۲	اداره کل هواشناسی
۱۱۹۳	حقوق و عوارض گمرکی
۱۱۹۴	وسود باندهای گمرکی
۱۱۹۵	آلات لوازم گمرکی
۱۱۹۶	راه و دستگاههای ترانزیت
۱۱۹۷	اداره کل هواپیمایی کشوری
۱۱۹۸	اداره کل هواشناسی
۱۱۹۹	حقوق و عوارض گمرکی
۱۲۰۰	وسود باندهای گمرکی

دست مجلس و همکاران گرامی امروز در این مورد خوشحالی دارم که کارها در حد و در این مجلس مقدس انجام گرفته و خوشحالی ما را محضر همکاران سیرور گرامی آگاهان بانی بشکوه انبوت حد است آقای هودا حسن زور مشیر مروض بسیار متشاور بود که با یک گزارش بسیار مفصّل تقدیر نمیکردند که همکاران عزیز در گزارش بسیار عالی و بسیار حرفه‌ای و در مقام مدعی و مدعی‌اش داشته باشند و پس چنین انگشالی در آن پیدا میکنند در عرض افکار عمومی قرار دهند خوشحالی در زمینه اینستکه همکاران عزیز و گرامی بنده جناب آقای مهندس بهودی با وجود اینکه امروز مشغول بودجه مطرح است با تطبیق بررسی و گوشش فراوان و بودجه سال ۵۵ میلکت را در مورد مدافع و مدافعان قرار دادند و قسمت زیاد از اینها را که کردند بر این گوشه نشان دادند زاری و اعتراضات و گوشه با توجه و تقی که با دولت در سال ۴۴ کسب کرد است اینها را نیز در اینجا جمع است. اینک پیش اینستکه نمای از جمعان پیشتر برای ملکت را که در سال ۴۴ در سابقه بر هیأتی خرم‌نهاد شش‌نهاد مشتم و آرامبر عزیز ما تغییر ملکت شده اینجاسیایان فرمودند مغفاری از نظر ضعیف اطلاعات دارم که فرمودند که بنده هم مقابل مجلس و سایر ارباب بی‌حکمتی هنر شایسته و در تقصیر فعالیت‌های دولت از اینها ظاهر است که در جمعان مختلف در ملکت اینجاست امروز در محضر مقدس مجلس برای همکاران گرامی میرساند در مورد وزارت اطلاعات هم عرض کنم امروز هیچ کس نیست که با بنده هم‌قدم باشد که در این وزارت اطلاعات خیال خوب کلایک‌های بنده در رویی همه بسیار شرس و متنوع وجهه پسند است (صحیح است) و در آقای آجین‌زهی که لازم است برای نامبردم از یادونه شود آنها در بر نامه‌های متعدد نشان می‌دهند که پیش از این در اطلاعات و گوش فراوانی متغول فعالیت است که با بنده یاری‌دانی در سایه توجهات شایسته‌مندی موزی تلویزیون دولتی برای ملکت ما تهیه میکنند امید است که تا یکی دو سال دیگر این امر انجام پذیرد و تلویزیون دولتی در اختیار دولت ملکت قرار داده شود اما درباره تلویزیون ملی آنچه که بنده گاهی مشاهده میکنم همینست که چه بر نامه‌های خوبی پیش میکنند حال حاضر این و پیام‌های نادانانه با بنده

ملاحظه فرمودند که تلویزیون فزیک و شبیه‌تدریس می‌شود شبیه تدریس میشود صادق احمدی - کسی به آنها می‌پردازد از تلویزیون با وجودیکه از تلویزیون هم در اینها استفاده می‌کنند (صحیح است) بهتر اینستکه وضع فرمایشات با توجه نکرده (صادق احمدی - تلویزیون چه ارتباطی با دولت دارد دولت نظارتش در آن ندارد) جناب آقای احمدی حضرت مستعان عالی‌زاده اینجاست شرف آوردند و بنده با کمال احترام و تحسین و با کمال احترام فرمایشات کردمش دادام نمایند در اظهار نظر ماست از آزاد است و بنده آنچه بیشتر بنده برای عرض کنم (صادق احمدی - ولی ما ملکت می‌خواهیم حقیقتاً که از اینها شرمناک بنده هم شرفی می‌خواهم میکنم تلویزیون فزیک تدریس میکنم و شرفی است که با کمال‌های شیفته می‌روند از این بر نامه‌ها استفاده میکنند و به با سوادها ملکت اجازه می‌دهند و اینها را به با ارتداد وزارت فرهنگ و وزارت اطلاعات است در مورد وزارت آموزش پرورش و وزارت معارف مستوفی است. از آنست که از ۱۳۳۳ به این طرف در سایه بیت و آرامش و گوشش نظری که در سایه با توجهات شایسته موزیون است ملکت اینجاست بنده می‌بایست به آموزش مخصوصاً امر آموزش ابتدائی توجه زیادی میشد زیرا مطابق آرای که بنده دارم در سال ۳۳ تا ۳۴ کسی بیشتر از ۸۰۰ از مردم این ملکت بسیار دیدند یعنی مثلا ۱۸ جمعیت ملکت ما سواد بودند و ۸۰۰ که بی‌سواد البته دولتی می‌بایست حاکمیت داشته باشد فرمودند بنده هم موافق دارم حرف‌های که برای ملکت ما بسیار لازم است اقدام کنند ولی تصدیق می‌فرمایند در ملکتی که ۸۰۰ آن بی‌سواد بودند در هر جا دولت باید دولت که خودش اصرار و کار فعالیت است کند که این کار باشد است از سال ۳۳ تا الان مخصوصاً از زمانیکه در اثر ااره است شایسته آرام‌نظر طرح بن نظیر در دایسته میاه داشت در ملکت اجرا شده این امر موزی توجه زیادی شد و امید می‌رود که در چند سال آینده در زمینه ریاضی و جهات نسبتی که همه از بی‌سوادان حاصل می‌شود یکی از ملکتها ریخت برسته و قطع واقع شود گوشش عالی مدعو بودیگری که در زمینه حرفه‌ای و در فرستادن نصاب زیادی

بازرس و کارگشا و بازنشسته کردن تعداد زیادی از کارکنان و گوشش‌های دیگری که میشود و مدارا آقایان در پیشتر این تریبون ظهور موده‌اند که از گوشش مروض‌نیتی وزارت آموزش و پرورش است در مورد وزارت آردانی و همکاران مسلماً همکاران عزیز بنده زارها نظردوند که امکان گرامی این جایست تریبون آسمان و از فعالیت و خدمت‌رسانی آقایان در این دوستان معمولی‌باشی‌هاست بقدر و دستوری کرد (صحیح است) همین چند روز پیش جناب آقای فخری‌طباطبائی مستعمره فرا کسیدند مرید اینجا بطور استیفا در حدود ۱۵ دقیقه از وزارت آردانی و مسکن ریویز بر موطه و کارکنان آن تقصیر کرد اینها نیست زیرا که دلیلی بر گوشش و فعالیت و اخلاص برای بیشتر امور عمرانی ملکت (بگذر از نامشایدگان - فرمودند که به‌خاطر بروند اما در مورد وضع تفریحی برای مقامات جناب آقایان منتهی بخارم چون می‌بایست دولت جواب نمایند اما بنده بنده عرض کردم ایشان یک قفل شخصی را نگنند و بنده هم بقیه‌ها. این است که مقادری از گوشش مروض‌الیها را در عرض افکار همکاران گرامی و عزیز بنگارم (منتهی کند گرامی - ملت ایران) در مورد وزارت دارائی تا جائیکه بنده اطلاع پیدا کردم اگر یک مقابله‌ای شود امسال وصول مالیات خیلی پیشتر شده و این هم به‌خاطر است که دولت ملکتی وصول مالیاتها پیشتر می‌شود نتیجه گوشش و فعالیت موزیون مالیاتی است در وهما جهت و گوشش برای وصول مالیاتهای دولت اتمام میکند امر تفریحی - پیوسته وضع اضافی هم مؤثر است) عرض میکنم مسلماً بقیه موزیون مالیاتهای گوشش را باید در بریزاند و همانطور که فرمودید دلیل بلایستی است بر پیشتر و بهبود اقسام ملکت که بحمدالله عدم دردم همانطور که در پیوسته عرض کردم رسیده است امیدواریم که این نوبه هم پیشتر پیشتر شود تا جائیکه بقیه ضایع این نظر دفع شود و سطح زندگی مردم روز بروز بالاتر رود (انتظار) در مورد وزارت آردانی و برق و معادن هم بنظر ما موزیون در پیوسته در این امر اقدام اتمام امداد می‌کند مردم وزارت آردانی برق معدود است مشاهده این دلیل با درستی بر اینست که سال بودهای ۵۰ دولت در نظر دارد تعداد زیادی از

شهرها را نامزد و نورانی میکند البته همکاران عزیز بنظر اختصاصی با حضور این تریبون کسی که چه کارها بود چه گوشش‌های شده است کم‌نورند دارای برق شش‌مورد این موزیون‌های زیادی در دست اقدام است استعددی - با همی است که حقوق مردم از برای خصوصی استیفا شود (آهان) افتاده است در مورد موزیون کارها و در کمیسیون دادگستری شریف و انشاید تریبون این کار هم یک طوری زاده میشود - اما در مورد شهریاران است کشور بنظر چیزی که بی‌استجهامت است می‌بایست است و تنها یک گوشش گوشش مروض‌الیها را افسران و پاسانان را اما ملحق میکنم که مشور روز در خیابانها جست‌وجو میکنند تنها راه‌های را بنده عرض میکنم - گرامی بسیار گرایش ندارم و شیخ بسیار دارند و ملاحظه می‌فرمایند با سواد گوشش و لایحه امر راه‌های را ارتداد میکنند و این گوشش در خود کوشش و تقدیر است و بنده تمام یک نماینده مجلس از گوشش افسران و پاسانهای که در امر راه‌های شایسته‌تر فعالیت میکنند تکمیر میکنم (روحانی) کارهای انجام شده را ذکر نکردم) البته اگر در یک مؤسسه‌های دیگری بشود و مؤسسه تفهاده ذکر کند خوشتر بنده تمام (صحیح است) (منتهی کند گرامی بنظر من بایست در تمام تدریس داشته‌اند شهرانی بشقیبیری دارم خود که از این سیل‌خارج شود) اما در مورد اضافه نمودن ادرات کشور با همی است که کشور آزاد در حال تحول است کشور است که در سایه با توجهات و زیر نظر این مشمول بود که گرامی بنده مستصفاً امر اصلاحات امروز و نظایر در گذشته به‌دراغ‌بازی تغییر شده‌های ایجاد ملاحظه می‌فرمایند دولت مؤسسه ارتداد آنهاست و مسلماً تصدیق می‌فرمایند بقیه که از اراضی خشمش هم می‌رود اصلاحات شایسته‌هاست که بیایند هستا احتیاج به فراگوش حسرت فرسود ادرات در این زمینه پیشتر بشود بنده بنده مسلماً محصلان ملکتها پیشتر می‌شود بقیه اینها را در نظر پیشتر فرمات - برای توسعه فعالیت برای هر دو زمین‌های حق‌دانان نبود شریف ایرانی موفقی که مسأله نوبتاً امر سخن علیرضایه‌هاست که فرموده و در ملکت نمودن اشکال ندارد (اگر در هندوئی - باید

ولیس - هر آینه عقد شرف با برودند.

راوند - هر چه بدستش در گشودن شده آمد - سینه بود - بی هر خطه به عرض کس - احسانت - اگر این از من از کس چون حرف مرد نهایت است سر کرده که از من خود استندم و چون از نظر آن مطالبات من و دانش خود خاص زایم بدستش و بشمار در همین جشن و مراسم همین تاریخ پیش ازین بیرون رفتی های فوق العاده دیدم و چند ساله اخیر اینها بطوری و کسر شرط از تو این قدرت مدعوزده ساله می شود بجزگ که بین الملل دور و از آن و غیره که در همه دنیا چنین از این گذشت خاصه تقریبات شکر بوق العادلهای که در دهه دوازده ساله اخیر نصیب ملت و مملکت ایران شده باید کردم و نظر بدستبانی اجازه می خواهم که این صدیق را قبول فرمایند و مستحق باشد خود را باینکه باید چندکلمه ای در مورد من به رسم خود نگذارم که من چندماده که از اهداء و امانت و اوقاف اداری و جزئیاتی که شاید در طول این مدت بنا بوقیفته نمایند گویی از هم مسکنت من و بلایان من تا آنگاه کیسون مشرب خرابی این توین و بنا مقروض من است. این حرف است اینها صدیق بدم و دل جا دارد هر هزارای مردم اگر مسلمان باشد پس از نماز صبح بسیار بخاطر پیورده که چو پیورده و چه پیش ازین میروم با توجه به اوضاع ایران توفیق ده و به احوال جا دارد که در سیاست خارجی مملکت و تأسیس استقلال و انصافی کشور پیشرفت های اخسودی و به روش مردم و توکلان همگانی پیش آمده بدست آمد (صحیح است) و با بیانی این پیشرفتها که در پیش آمدن اسمعیل زاهدی و به کسب قریب تکمیل و توسعه بسیار در پیش دست به هر تریز کوشی کردم ما اجازه گرفته میسر کنان بعد بدست ما آن مرحوم در پیشرفت و به حال بیخودت این جاه طلبی را از خود بلند بخواند (احسن است) آفرین قصه مجاهد و تلقی نیست نقدی. متعاقب بر هزارانی و هر کسینه نیست به ایران فکر میکند واجب است تحقیق کند - میفان بداند و هر یک از اینها که حالا بخاطر من عرض میباید در دست ندانی و امنیتی - در دست درونی و بهمانشی در دست آموختن و پرورش و پرورش با آنگون در مقاصد عالی ملی میشود چه از لحاظ محیط و چه از لحاظ

ناسی را مثل اینکه تا کردی که کلاس بکلاس بالای میروند این ملت قوه های اساسی و بیشتر از هر میدانند فراموش نکنیم پیشگام کشت حصارها و بیرون راندن اعدای آن آفتابگردی از جرحه زدن و صفات امارات سلطنت شاهنشاه محبوب ما صاحب بیسود (صحیح است) ما میدانیم که اگر ششای می بود از هر قلمی باشد همیشه در خصیصات خود متصرف بودیم و در نظر مگر نمی آمد چیزی که فقط خود حذف نمودن تر کسی کار مشکل نیست آن چیزی که باید از منقش گذشت آن کار مشکلی است شاهنشاه یکی از ضایع بزرگ در آمدن از حنف کردند برای اسلام نگاه ملک بود و ملت خود کسک بکند (صحیح است) و این را شاهنشاه کرد (صحیح است) برای ختم این مقصود که هر چه کسک بود که است با ناز آید که برای من مفصل است نشین است آن دمکراسی است آن آزادی است خلی از نظایین و جهان و توحف است کرده خلی می باشد که خودشان مسکن است کسک کرده باشند که چه از لحاظ میزان و صفای و امکانات و دست ملت ما گرفتارند باید پایه این ستمه در خستان از تاریخ ملت ما رسد ما باید از راهی با حقیقت را بگریزیم پادشاهی شرقی که هنوز آینه ننگه با باید شاید افراد ملت خود خود را آزاد آری بودند اسامی دمکراسی را برای توفیق اجباری ملت پایه گذاری بکنند منحصی بقدر است (صحیح است) من علاوه بر تمام تجلیاتی که باطل و سینه سگسگاری که بنام ملت ایران از این رهبر خردمند کرده از دیزه دمکراسی بک بگردیگر سر تنظیم فرود می آید (صحیح است) آفرین و چون حزب ما وجود بدست منتر بدانی از زمین روح دمکراسی واقعی باشدند ما است (صحیح است) این مقدمه بیان آوردم که این چنین پیشرفت ها تولید امید و آرزوی بهتر است. زین ایران کرده و هر چه از این بهره این پیشرفت ها بنامر میگردند دولت سلامت و پیشرفت استقلال در درجه جهات احسان میکند توفیق به پیشگاه شاهنشاه با اقتضای اینظان کامل پیشرفت میشود با دمکراسی در حدود آزادی خاردار که کس حزب ملت باشد و حزب دیگر کار از حزب دیگر و بگفتار مسائل و مشکلات دیگره توجه نموده خامه در این مورد همه آهنگ با زبانهای مختلف گفتند و موجات موجود مانع مفقود برای اینکه از هر سال و هر

کتاب هر چه مضمون روز و روزها مضمون دقیقه و هر شاه مستفاده شده که باید آنچه به نظرمان برای استفاده از این امکانات همرس کند خود بدوئی کنیم (صحیح است) بخاطر مداره این جلسه لطیف را کجا خوانده است

ساکون قبل بلالوفاتان - بیچون در مملکت ما امور حیاتی باید در دنیای خود پیوسته بود که خبری نیست چرا سکوت کنیم (احسن است) چوید آزادی و بیات بشکری عرض میشود از این مملکت نیز این مملکت دنیا اینکه عرض می کنم و امری که می شود پیش نشان میسایر - آرامش و آسایش می نظری است نسبت به تریزین مسائل (صحیح است) اما اجازه میدهد که فکر سلولان را هم در سر نشاندته باشیم پس بنابراین باید باصطلاح گفته بشود آنچه که دولت خود تانست و با جریان انبیا است باید مازاد روشن بکند ما مستحکم میرویم و خود جسته جسته بشود که هر در این راه و از هم عقیده بودیم و اگر دولت توجه نداشت این بار دولت مستحکم بشود و از بنا آوری و ارتداد کردیم و ما خود تریزین میوم که عقیده قانونی خود را انبیا در مقام آقای اشرف احدی تحقیق عملیات در حد این مملکت انبیا دادولی من بالاترین خدمت ایشان را باندن تانست مدتی است که در مبادیات و نظرات شاهنشاه در پیش دولت منتشر کرده اند آنها را میسایر بنده می نامیم (صحیح است) در ضمن این یادداشتها میسایر بنده شاهنشاه مسائلی را که بیان میفرمودند توجه می نمودم که آنها و شاید سال ها در این اوقات مطالعه کرده اند اما اینها جوابی که در نتیجه خود کارا عنوان فرمودند میسایر بنده می نامیم که در آن جلسه تریزین داشتند و آنها از میسایر بنده که میسایر بنده می نامیم که نظرات طرف شاهنشاه در مضمون است و در این مجلس که دقیقه قوی است است و کلام که هر چه بود که در آن قراولت نمای میسایر بنده یاد این را بود به هیئت کسب مقدمه طولانی شد بنسوزان بگفتار میسایر بنده اولی هم از آن کس که تمام جملات عدت در آن قراولت در دست مملکت در آن دست نمایم نیست بدانی ما است و کلام آن تانسه که در کمال مقصود از دست های ما را است نسبت به متقدبین را نمی بینم مستقیم به اشاره من از انظار معظم ریاست مجلس آنگون اجازه می خواهم عرض کنم: در اینجا خانه مردم بروم بشنیم و قبل از

بناست معارضه آن که اندر آن دولت آنچه که
 نسبت به رفتار در چون هم از طرف حزب مردم صحبت
 میکنند. دست با هم از حزب مردم همه پندارند
 نگویند که دفتر با گفتند آنی چند عده از حزب اینند
 بگویند چون آن کار قاطع نشده بود این حرف زده شده
 است. منی است این است این حرف که در کفایتی
 صحبت میکنند من از دست منظر حازه میگویند
 بعد بر بار صحبت است که در نظر خدایمانی دولت باید
 جواب داد و بعد امداد پس با این ترتیب مینویسد که پیش
 بنده بیوه بود از بیاضی محاسن خصوصی افراد اشخاص
 ندارد (مهندس و بالا) اضافه تعریف هم میشود) ناطق
 محترم حزب ایران توین فرمودند آقای مهندس جودی
 در این باب پیشرفت ها و اقداماتی که در دستگیر کرده
 اند گفتند که در وقت ما برای ملتکند که در این
 التامت و اجرای بیات زهر مملکت برادر ما مستر
 هم میبوسد (احسن) این جوانگونی به عقدهای نیستند
 آرزوی من است که چنانچه غرضای خوب بنده باشد دولت
 نیز که به او نگیند چنانچه خوب خبری من یاد
 آوری میکنم. بلکه گفت که چون دولت در کار قبولیت
 مسجد میسراند حال این مطلب مشی بر حسن نتیجه اصوات
 قیمت و بیانیست صحبت در تعارض با همه عقده با اتمام
 و غیره جراحی بروی عقده میسراند. و چون همه عقده سلیمان
 آقای علامه وحیدی آیتان باید تجدیلی از دولت کردند
 که مذهب در اجراء در کفایت تقوی بودند نمایان مسائل
 که در اینجا پیشرفت های ایران و شکر آزادی ملت و
 موجب استعداد و با انگلی مترقیان و آرزوهای مردم به
 اوضاع گفتند بقصدی من دولت من استعما دولت
 نیتش من این آرزو میکنند و با تمام عقده استمال نیستند
 و ارتد دیگری ظاهره دولت با اکثریت از این
 نبرضهای متضانه با حق ما بر علیه مایوسانده اند
 همین طالب عدلی می نظری و بر غرضی و آرزوی توفیق است
 که ما را در (احسن) بخندار در اینجا باز یاد آوری کرد
 ملت ایران ستان سر نشینان کفایت هست که ناخدا ای مردم
 کشتی شاهنشاهی بخادی ماست (احسن) دولت ما مورد
 یاد آوری است و ما هم در آتیم ما مورد نظارت حر که بعضی به
 ما هستیم اگر گفتیم در درجه به چه با یکدرجه تراست

دارند کشتی منحرف میشود این دلیل صحت مأموریه به
 بیرون است
 این بحث این بحث بود این گفتند در وزارت عدلیه
 برت مردم همه استند این میکنند که گفته این توجه
 بر علیه «قرت کرده آقایان ریاست و قضاء و اوقاف
 وزارت عدلیه بهیات اشخاص کرده و به الحاق از ایزد
 آمده و باطنه شعی حلا و گرفتاری خود که در نتیجه
 من مالی سابق تمام حقوق را با شایخ اداخته اند
 شکایت دارند عدلیه شده از یازسان و بعد از همین اصل
 طایفه است امر امری از شاهنامه نامهای استوزیر عدلیه
 وقت به سر داری رئیس الوزرا وقت می نویسد و نظیر آن
 وزیر قضا که در این مدت تمام گرفته مقایسه این نامه
 است با موجودی تازه هر دو اینها من با کماله بر این نام
 میشود البته در آن ۱۹۰۷ هزار ۱۷۰۰ تومان منی خلی حرفها
 دارم خلی، املاچطور ۱۷ هزار و با چغیشتی شعی هزار
 خدمت از جلوه میدید که در هزار را بیل خودشان خرج
 میکنند با نهایت حال است که خواهم رسید اگر این
 نقادان بود در وقتها هر چه در لاشنها است بکنند میگردند
 و اگر از اینها بکنند از زهر گشته اند بر این در عظیم اشان
 فعلی نظری میگردند و کسی معارضه بنده نیست به این
 زنی اعمده میرسد مردم اصح است این همه ما به
 بیطرفها مستعد قدم بودیم و تجدیل و بیاسیگری
 میکنند و برای استفاده بیشتر آنچه بنظر من می آید
 میگویم. امر در اینجا می آید اسم مستویه معارضه است
 منم بود ۴۴
 هر جماعت از وقت نماز بر ایستاد ما است
 درانه در تقریر با بالای کسی کوتاه نیست
 فرماتی در وقتها میخوانم اولیج کار دولت. (احسن)
 اقتضای مجلس قدیم بودجه است که در وقت مجلس
 شاهنشاهی که موجب نماند این بیطرفی که اسم
 بودیم در گذشته مردم در این بیطرفی های اینکه حق
 مطلب را در آموختیم باید یک جمله اضافه میکنم
 همه اذعان داریم اشکال این کارها انصار اختیار آنها هم
 متعلق بود هر چه ما استاصح است البته تمام دولت ها
 و نمایانند و با تمام کماله معارضه تراست در اجرائی من با
 هم بودیم ولی در اختیار بودیم در وقتها آنها محفوظ
 خواهد بود اما از این دولت حاضر با دولتهای گذشته
 (صحیح است اولی بیست و دو اینجا به نظر شاهنشاهی ما است)

دانشنامه در این دولت و قانونی دولت را مطب خاطر و رضایت کامل
 میریزد از اجتناب آقای خسرو زور بیجر این چند نفر از برای
 که آنان هستند این روزی شده این را نخواهند و لا
 چطور میشود دولت این چند مستخدمه در شرح و شرح نکردن
 این مطالب میخواند نظری می دهد اجراء گفته است اصلاح
 امور باید نمیکند حالا باید یک کثیر مشغول شود
 است بر این نمانش خدمت در یک اشخاص کثیر کرده
 این را تا بد من است از این استیکم ولی من میسراند (احسن) -
 حق جناحانی است من از گرفتاری صحیح جناحانی اطلاع
 دارم از نظر فریب میباشم هم متشکر بولی جا داشته آقایان
 وزراء هم از رویه حساساتی تئیت میگردند این میزان
 نیستی کمبودی از زحمات و دسترولهای که شاهنشاهی
 آفند به آن اقدام میکنند و اما شتم بودجه نیست
 خدمتشان عرض کردم آنچه که به اسم شتم بودجه ولی
 بسندی واهی اگر بتوانیم بگوئیم اصلاح بودجه
 بیست بودجه. چغت جدید بگیریم لیامان هم
 حال قان طرح نیست باید یک جمله عرض من شود
 نمی آید از جهت خواهی که این مواد وفاداری که به تحقیق
 نمایم کلا بود برای حشره از آن قسمت باید مطلب باشند
 یاد آوری میکنم که اصل ۹۰ از قانون اساسی آنچه که
 اولی سگند یاد کردیم و اگر من این سگند را نگذاردیم
 نشدند سگند فارسی من شاهنامه هم دارم فرود
 کشیدند کیسه یکجا زدی کرد همه جا زدی میکند
 (آفرین) اسم ۹۰ از قانون اساسی میگوید «بودجه های
 از برای اتمامه باید در هر آخر هر سال از برای سلا بدیگر
 دانشنامه بازده روزی از زید بود در حاضر باشد ۴۴ از شتم
 انبارهای نوش و مشروبات و مسج همه در این بودجه استرات
 بآنرا یاد آوری است اصل ۱۰۴ از شتم قانون اساسی
 در بیان حسابات مأمور مایه و عتیک حسابات اداره
 مالی و خزانه حسابها معطین خزانه است مخصوصاً
 مؤلف است که هیچک از نظرات من خارج میشود بودجه
 از میزان فرجه تجاوز نموده تیر و بسند این بپذیرد هر
 وجهی در خارج خود فرجه رسد من از آقایان وزیر
 در این غلبه شایع است (مستوفی - معاونان هستند)
 (بکش از این بدنگان خودشان هم هستند) اگر چه
 ایشان در این بودجه بودجه مسئولی ندارند در این مورد

استاد ویر ایضاً در این معترض که شما گفتید منتم بودجه نه منتم دایره بودجه خرشده ، که امروزه نه منتمه ، که امروزه خلاقانه بودجه ۵۰ است
 اصح است ، دره بشه قانون دست عمومی من بازخود
 معیار دایره تریب خوب این قانون با قانون بری
 اینکه صورت معطلین سال منطبق خنار سواز معطلین
 احتیاج دارد درشرایط خوب صورت شده باشد این قانون
 مربوط به ۱۳۹۰ یعنی موفقی که ازسیرت که وجود
 نظیرت قید اختیار کل و آراش کل و توجه کامل
 به مصالح معطلین بوده ایده شوخی و بیلتوفور یادزدن نوره
 کشیدن خوب نیست نوره درمن موفقی که این راه
 آهن طریق که وقتی نقشه آبریزا می کشید یکی ازاشخاص
 های مرتبه را به معصومیت نوردید و نادره بنابر فرستونی ملت
 ساخته شده (صحیح است) اینست معارضت این بودجه
 لایحه پیش می شد معنی تواند و معارض کوری استسری
 یکسال شسی (این ازقرویین تا اول قرویین ، سیزده
 ماه که درنهم ، سل ۹۳ مناسبت اول مردت یکسال شسی
 که خوب مجلس شورای ملی رسیدن است) خوب ، یک
 کلمه پیش می شد) مطلب جدید وجود می آید پیش می
 راشنا اوله هار می کشید که ازوجهی ها چند تا پیش می
 می آید با کفر از زمانه بدت که وجهی جان دایره تریب میرشد
 ولی آخر دایره تریب می شود وجهی اخسرو : پیش می
 اوله اوله می کشند نه اینکه سال تمام شده باشا که
 جمله پیش می آید این ... اخلاص به آقا خوبه بودی
 چه فرموده مسم (با حق می بود) یا مسم (با کس می بود)
 اندونی : چرا آردا یاد نیکمید ؟ (خواه نوری -
 بودی با کرم می بود) متشکر پس بنابراین آبراد این است
 می که اصولاً طرح موفقیست : خرج خوبه بودی
 نه منتم فقیر نیست لایحه آمد که حاصل آقون فقیر نیست
 با دستمست قانون محاسبات عمومی هر کلا می بود معارض
 مالیانه کوری که اعتبارات از راه بودجه بری این معارض
 شده است درعین حال خرج فوق العاده پیش آمد
 باشنا : منظور ، تلفاتی خرجی شما بدردت لایحه معصوم
 جهت تحصیل اختیار جدید بحسب دورا پیشنهاد خواهد
 کرد ؟ این بودمست که موجب آمدن این لایحه دشمنان
 قریه که آقون اوله هار می شود قطعاً استخوان

فرمود و استاده خواهند فرمود ولی بنده از اینها بیست
 نشان میدهم که جمله در هر سال هر تریب خط کشیده
 در سال منتم یعنی کفر آق وزیر دارائی در آرم مراد
 توضیح داد که به منست در دهه های صافه اول مناصور
 را تغییراتی بعد از آن زمانه تصاصح اصلاح این چنین لایحه ای
 را می کشید با کفر از زمانه بدت - خوب ایسپ در سال
 ۱۳۴۵ داده شده ، ام یکی دیوان مطالب بسیار همی از
 کوفین را یادآوری کرد و مدعی حلال و زری مسترزه
 گرفت لایحه می نامم این را برین حدیث نه ایمان
 یادآوری کنم ، ضمناً آقای آرمی امیر اوج پناه همی کردی
 و وزیر بود که کوشش کشید این مطالب بردنات بشورد
 (مهمتر آقایی - اضافه و عیانت مستجاب خواهد شد)
 ملاحظه - وزراء هستند علاوه بر ماخذ اختیاری که
 در جز بودجه برای آنها مستقر شده است خرجی کرمی
 علی و با منتم می بود که موجب خرج خارج اختیارات
 منتم شده می کشید فلان بود خرج متالی را در
 فرمودید ۴۴ طبق حکم قبلاً از طرف مجلس شورای ملی
 برای آهای آن خرج اعتبار جدید داشته و در سال گذشته
 اعتبار جدید داشته به استناد این ماده ۳۵ هر وزیر
 نیز استراحت برداشت کند برای اینکه خوب مجلس مسترزه
 تهیه نشود اگر بیاست کوشید که خرج متکریم ولی تمهید
 کردیم ، خلاصه آقای میخوانم که تمهید هم نیست استند
 بکنند .
 تبصره ماده ۳۵ - مصودان اینکه اعتباری هستند
 این است که در هر خدمت اجناس امپارالی تصرف دولت
 در آمدن و بدین وسایل دینی برای دولت ایجاد شده بنده
 شما اگر کمترین ملکر بودیم در اختیار گرفتید
 یا از خدمتی استفاده کردید بدین برای دولت ایجاد کرد
 باشد طبق آن مواد که قبلاً خواصم کمال گشته
 دیگر خرج و پرداختی مقصود نیست به این
 کابیه ، از شما مطالباتی دارد طبق کدام
 ماده جوار - بحدید و اعتبار - وحییت و ارزش دولت آن
 چطور حفظ می کشید ، بنده از جناب آقای قوام مدعی
 خواصم می کشید ، زیرا جاهل بودی با عدای وزیران بودی
 با توجه به ماده ۳۵ که میخوانم سؤال بکنند که تمهید
 پرداخت این ارقام چگونه انجام گرفته است ؟ داران
 پرداخت کنند می تواند و چهی که با صدق آنها
 حواله می فریازند متگروقتی که سرخود آنها معطف

هر عنوان منوع است شرط اهرائی هم در ذره باشد شرط
 اهرائیش بنوع اصحاً خیلی خوش نباید ، هر وزیر بشرط
 از این منع تخف کند ام از آنکه نافع بودجه خرج
 بکنند یا خوبنست نافع خرج اعفاء نماند یا چنین
 صنایع امه را از اجرائیه بحسب یا اعفاء شاقه ایصال
 تا ده سال محکوم خواهد شد این حکم محکم خوبنست نافع
 متضمن و معایب آنها و عوارض جدید و تفسیر قوانین مربوط
 به نظرات در هر بنده ای دولتی نیز خواهد بود آقای قوام
 مدعی شجاعت شما را تحسین می کند (دکتر آلوانس) -
 ایشان نظریات کمه امدها ، قانون تنها برای دولت نیست
 بنده از این حکم خود منتم که معنویان مجلس هستم معقید
 و موقفم به احترام این قانون هستم (صحیح است) توجه بسواد
 و مطابقت خواهد آن کتابت میرانهای سال ۴۴ را در
 ۵۰ خوب بکنند مستقیماً با خود آنها خواهد بود
 خوبش این مسائل در صورت مذکرات مجلس است
 بشود ولی در هر حال بنده اجازه می خواهم با آنچه که
 خواندم اسم این را لایحه نگذارم و بگویم این
 مسئله را در مجلس طرح است و وارد بحث در این مطلب
 می شوم از همه اول شرح خوب کباب آقای نخست
 وزیر منم و یا وسعتی که هسته برای شاقه تریب
 هستم و بیلودو اینکه توجهی اغلاط شده ملت دارید
 فراموش میفرمائید که ملک اغلاط سفید کردیم سن و
 اصولی که در ملک بودیم بنده بنده بنده میرانغت کنه کنی
 ازمن این است که اول نخست وزیر عین مجلس به
 تقصیرت این کشوری و جنابالی نسبت فرموده اینجاستند
 (اشاره بگوشه پارتلان نودها) در اوضاع و احوال فعلی
 ملکات کلان پندیده ای نیست تا آنجا که منم
 آنگران ، با ایستقامت کوری دورا چهامی است که وزیر
 می بود و آقا می کشید از تریب این کابیه اطلاع ندادم از این
 منتم وزیر دارائی هسته بنا بر این آق وزیر دارائی
 منتم می خواهم این سؤال را مینکم جدا تمه
 شجاعت است (دکتر آلوانس) - بنی بدست منتم
 تشکیل بکرم ملک بودی با عدی که قائل می شوند فرمود
 در اینجاستند شجاعت است اینجاستند امه ای بکنم مقدمه
 نوشته اند هنوز آقاه کرمی گانه (دوست می فریازن
 و دانستند بنده وزیر منتم را با عدی) و در هر حال مدعی آقای

کسی می بود که در این صورتان در این صحنه چکا اینها را
 کسب می کرد و از راه آرزوی آن آنچه که در مورد
 منابع و وسایع گنجانده بود، در مشتمی پرورده می
 تعبیر و غیره در راه پروریم پس منت گمشد اگر نوزاد
 بشری می شد که شمر سرهای گدازی بکنند تا بکنند
 نوسه سبب آنگاه به ناکارای می میگویی به معصوم قتل نما کرد
 آدم کشکند ندون بکشید دکتر آمیر گار بستن گیر در
 بست وزارت دارایی بست آفرین گاه و بدی یعنی اوقات
 خوبی نفس در این شرکهای نمایی از آنجا میلوینها
 استاره میکند که عمل صاحبان کم آبرو خواهند بود
 البته میدانم که اینها خواهد داد خواهد شد که حق نامش
 باکتوب کمیسیون مجلس شورای ملی است صاحب کارهای
 بکنند که احتیاج بنیاد باملا و احتیاجا مقدمه تفری
 که بیکار در بیرون میگویی و طرز تشکیل آن انصراف
 کرد بر خلاف طرز نمودن تفری و دیگر بکفری که در
 بیاییم راهی گشته و مظهر و دیگر از مایه ها خواهند گفت
 اکثریت بالاخر از تمام بیست و است (جمع است) پس
 بماند که از همین امر در این بیست و است مراقب این است که
 ظلمی نشا خواهد بود و اما برای متن این طرفه قرص
 میگردد بر خلاف تاملی که باشد همان جا جانب
 آقای نخست وزیر قبول شد مجلس شایسته و بهر ترتیب
 این را میخواهد عمل و پرداخت کردی برای آنگوی که
 مملکت تا به حال به این صورت نبود که مملکت استوارند
 را بنویسند و جلوس ارفشان را بنویسند که وزیر هر
 قسم هر کاری دلش خواست بکنند در اختیار بود
 اندام که در صورتی حرفی برای آن که در اختیار نوزادند
 است نبودند و بیست و یک میگویی که استیکاری خوش
 را موقوف به اجابت می نماید هر یک بداند و یک رقم فقط
 بگوید بزوارت خود خواهد فلان عدد بدین موقوف
 بقدر تقاضا اینقدر داد و اعتبار دولت فلان مبلغ داد
 مگر چنین چیزی میشود باشد بر صفر این مبلغ
 از این اعتبار دولت در همین کماله جدول ندانید که نفرماند
 که اگر ما بگوییم که ما همیشه در دو آنها همیشه یک
 مرتبه در قدر میخوریم و در صورتی که فله میخوریم
 در مردم بشماره جزایران با آن مرتبه وارد می شود که
 در دو چه برای انداختن مالیات استخوانی بنویسند بخردند
 میگویند در این جست میگویند در وقت تشکیل است

برای اشاره بگزارانخانه با داداشهای تهیه کرده ام
 در راه تهیه این یادداشتها همه همیشه یک روزی سرای
 خود بود آقای وزیر بقدم من مقدمه من از خانه دانه
 قصد تشریف نداشتند از یکی از نمایندگان - معاش
 هسته - فعلاً ایشان نماند پس با همو آشنایتمند
 است که برای آن نموده که این از کلامهای منتقد که
 بود و در کمال میبود میبودند بنده خود ندانم از دست
 و در هر جا که در میماندم و آن را نموده بودم از آن
 کیها همیشه در یکی دیگر این است که برای اینها
 مثل روغن و امثال آنها بگیرند در منبر در اینکارهای
 و در زمانه اینها هم مملکت همه جانبه اگر
 کردیم بنابرین جملدهم شدند و فقط روی اسلحه
 بنام لنگه ای نماند میگویم میروند - انجمن استانیست
 شاست ولی بد این از آنکه این مطالب را که ملاحظه
 میفرماید به تشخیص عرض میانی نیست چنانچه با
 و دل انبیا میدهد و موقوفه همیشه انبیا میدهد من برای
 همین نمونه که عرض این استکماله در بودجه در
 فرمائید ششده اشاره کرده ام این دفترچه را در دو میزد
 اختیار بادیان کرده ام
 مدتی را بگذریم باخاست در آیم
 چون سخن نورا میبند در آتش انداز
 هر یک بدست کردن کسی هستم که مامکن این
 در این مسکن بنگری کرده ام تفرین افراد این
 مملکت از خون این سنین که میشود و در کار خود
 فرستند و میبندند و ما را در آتش رسیده بود
 وزارت اقتصادم از آن همه چه و اینها احتیاجات بیوجه
 میگردند و بنگر میگردند مملکت از اینها احتیاجات بیوجه
 جنبه احتیاجات در روزهای بیوجه همه آقایان در اینها
 در این فکانه بنگر آن وقت مایه ها هستند و باغها و حیث
 در این سر خود کردی خود گفتند حق را بنگریم باخاست
 در آیم چون سخن نورا میبند که ما چمنی با بهما احتیاجات بیوجه
 بنگارگی نیست به ملت اظهار عقیده کردی من سخن
 های خود را باید در آتش بنیازه (احسن) بنایار این به
 استاد آنچه که عرض کردیم در فریاد شایسته بیوجه همان
 چیزی است که از قولی بکنند میفرماید افراد ایرانی
 بیرون میآید به یاد آوری میبند (آفرین) بناسبت
 وزارت دارایی نامشتملیش با بودجه شما چنانچه میخوانم

از وزارت دارایی سخن میفرماید که شده چه قبل
 از زمانه ای قبل از دولت قبل هرگاه مملکت باشد
 علائق هستند بدون است میبند که آرزو بد
 استفاده میکند اصلاحات است بکار شده طبق همان
 روشه بودند شما تشریح میگویم ولی عقیده خود را
 میگویم خاندان آخر من وزیر دارایی بوده و از حق
 میبند من مستقیم نموده شرف قانون - فرمانی که
 شایسته توضیح نکرده اند تنظیم بودجه را به
 سازمان برده ام ارجاع کنم و بطیه قانونی
 شاست این طرحی - سعورش را که ما جلوس را
 گرفته بود در وقت که جنبه آقای خود را وزیر دارایی بودند
 طرحهای سعورش که هر روز این مجلس بود می
 از دست دادند اکثریت و میگویم که خلاف قانون
 بکنیم - اینها امثال شایسته ولی باید قانون اجرا
 بشود اگر بکنیم - سایرین ما بیجاهم خلاف قانون
 عمل کردن در ملاحظه قرار بدیم سکه روی سکه بند
 نیستد من از شاست استماع مستقیم گرفتارید و با
 اشاراتی از آقایان میروم که در سخنرانی در این
 وجه مواضع را کرده فرماید مسئولان در این گفتند
 که چگونه این اعمال شد که شده از این میگردد بر
 میگردید مسئولی که دیگر مجلسیان همه واقفند که
 فعله هر فرد علائقند بدست میبند است که آن
 دستگاه دولت را ندان میکند یعنی مؤسسات بسته
 و مؤسسات اشغالی و وزارت کسب عالی آقای وزیر دارایی
 مؤسسات شما از اعمال تقاضای خرج مستطمن خلاف
 عقیده من از آقایان اعتبارات جناب عالی بنیست وزیر هر
 هستند من ندانم مستطمن هیچ قسم برود ندانم
 و بفرود دستگاه شخصی میبند علاج نیبند که از پشت
 از بوس مجلس شخصی استوارند ۱۸۹۱ تاکنون این
 در این دستگاه کسبای هستند که در ما وجبات
 مدیره همان دستگاه را بر میبند که همست در حریف
 و بیکر کل امران مملکت دست هر چه و وزیر و نسبت
 و اقدام و عمل با همان قدرت دست زدند از نوزادخانه شما
 بصورت در فرودند در آیم - در آیم (احسن است) بنیست
 بکردن سایرین صورت هیچکس این امری متواتر
 شاسته ای نیست که میفرماید آقای شایسته اکثری
 تعداد ملی میبند ایران (یکی از نمایندگان که در گفتار

یا کرون آتشخسند: اگر کرون فرماید این جمله
شده من عیلت بر این زبان کنش خدمت من
دوئی ما از حق فرستادند یکصده دانش
را که درختان من خود من میهد که هنده موزاره
میرمندان دوجور و جوموس. و دولت بدینی
بیت الل مرده بدت مینا بود هر مال مبلغ زیادی
مرفحوئی نمانده (احتشاج آقای هویا) اینجا
یکصده حقیقت و یکصدگی است شما من. آقای دیگر
آقای آقای دکتر آموزگار: نامه اکبرین و اقلین خادم
شاهنشاه هشمیه و آراوری تکمیل این امر شرفی هشمیه
(آقرین - احتساج) هر دستگاهی از این دستگاه داشته
را که خواننده با مذاق من دوجور میروم بیش از کسر
دوچه شانزده آنها امکان اضافه در آمدن تا میهم. بیلان
این زمانه و مؤسسات و ایستپستی شان ناشکی است من
دردا میگویم اگر میزاید بک نظری من هر وقت
خواننده میهم ولی یون خدایان را که جسم و شرکام
بیت منون باشد آخرین اقسامت با من میسر شده که
شود با صاحبان خود میسر و سرتیپ میخوانم تسمیه میهم
ولی اطلاع ای دارم که بمذاق خودی هشمیه کمروغ
میکنی نتوانی میگویم جنب آقای دکتر آموزگار
شما مظهر امید صلحی هشمیه که داد بدین میگویند
بسی اگر پلش خود تسمیه کرد و تحصیل یافتند
ام از اینکه پرسش تو باشد پس گدای کنار خیابان
برای امتیحه گنگی در دهان همه جانهای که شاهنشاه
آمر کرده میخواند به بالارین مقامات مملکت رسد
شما چهار بار فرمان شده بدین در میماند به نادره
ولی به آن پادشاه و به این پلست مدعیین. و سوتیها
خلف من جها خواهد بود. فدای خود زمانه باشکوه کنار
بگدای بدوی برای این گداهائی که باعث بدینی ملت
بست بکنگه دولت شدت راه حل پیدا کنید مایان
و از رفاهه شایان کمینه است نظاره کسی باشد بدوی
را مینیم که با پیش او میباید سبیل و کوی از روز آریا بد
و میگردد چگاه است. و خاله الل هالی همان چیزی که
شاهنشاه میفرماید از فرغ خاله خود بیان میماند
در سانات برای بدین با نود و بیست و نهم
خشی در میدود آخر بدی آن این است که اگر آن
ناحصر بدیعت پشت میزش نشیند. خالیت نکند

مالیات ملایر شده که نمیتواند. نویسل خود برای این
آقایان بیوز دولت حقوق دولت بدان شکل صادر مرد
نمانده و کفری نگید و نصف مسخره است و نصف مسخره
است سرمایه از دولت کاردستوشی حقوق میگرد و اضافت
میگرد. و رقم میگرد. و دانش میگرد و با قدرت
سرمایه های اصداری دولت از دولت مال که هجد
میدهد آخر از مرد و وزیر میروند و باقی قسیم
میکندند ضد شماره است بیرم یکی از همین آقایان که
در دستگاه دولت من تازه من دیگری داشت بغایت
حساب میداد و جواب کلابه خاشاک را میخوانم
میگفت دولت آزاد یکی لو بیگت چهار آزاد یکم
در حدود ۳۰ هزار تومان حقوق رسمی میگرد ۲۰۰۰۰
تومان من از کجا ۱۰۰۰۰ تومان من از کجا میخواند
۱۰۰۰۰ هزار تومان و ۱۰۰۰۰ هزار تومان من در قانون حرکت
که عضو علی الملایان تمام مالیات میگرد که در دولت
آقای هوشمندانه علاوه بر مصیبت کادری میمانم تصفا
آدم اخلاقی شاهنشاهی از جنبه اخلاقی بیون من برضایت
نجد احتیاج شاهنشاهی از بالا و پایین چنین ملایر
باین ازین اشتداد دارد و در پیشگاه ازین اشتداد را به اصل
ملت مسلط کرد باید خیلی من بر نفسی نیستید خود
را میگویم که کمال صحت از استه اولی مذاق احدی
ایشان باید شرف بخورد و نماند این شرکتها بدوی
را حل کنند. آقای مذاق احدی شاهنشاه است
بست جنبه و اقیبت است اگر آن جمله را که شاهنشاه
خرج خندان با یک مدتی بگر مملکت وقت بکشد که
شاهنشاهی بود اگر این جمله شاهنشاهی با تمام میروند
که میباید میگرد و اگر وزیر و درازای شاهنشاهی
ببیند جقدر مضمونه شاهنشاهی بکنکار اقامی کرده
باشند از آن چیز شاخه - کرد میباشند... هاشم را در همه
جنابالی میهم شاهنشاهی میکنند که شرکتهای مؤسسات
دولتی و ایستپوستی شاهنشاهی آریا بیکه مقهور است از همان
مقررات صرفه جویی که در روز رفاهه انجام میشود
بکنده چون آن مال و این مال هر دو مال ملت است و در
مواضی که تقصیر میماند در همان با نود و بیست و نهم
را مورد اعتراض فرزانده احتیاج از این مقررات برای
صحت دستگاه که مسئولیت را دارد باید با شما را آن
استقامت مالی که خودن ساخته باید و همان ترتیبی که

فلا انصاف میهد عمل کنید. اما کمال تأسف و ناخرجان
آقای دکتر آموزگار منظم میسر و بیاید بوضع اسط
و استطلشی از من و رو اشاعت از من و حق مدونه و بدین توانم
قول کنم که وزیر دارائی رسک چنین شاهنشاهی از
وزارتخانه ای سازمان شده باشد شاهنشاهی صاحب این دستگاهها
و از اینها داشته باشد یکی همان دیگری اینها و از انکار
منقول میکنند که رو اشاعت از آنها به بیخامه باشد اشتنا کند
بکنند و بشود من میگویم احتیاجات شرکت گفت با سازمان
در همه افلا من دستگاهها و دستگاه و اشتنا آن را میخواند
منافسه و مزایده خرید تغییر خیلی از این منافسه ها و
مزایده های وزارتخانه دار باید حذف. بیاید میز
بایگان با یگانگی افلا در شرکت با این دستگاه ما میز
بایگان نفست و زیری چه فرقی میخواند داشته باشد جز
اینکه مال منست و زیری خیلی هست میخواند باشد از آری
حق میگوید که من لازم و تفریح کرده باشد و اینها باید
انتقدی و افلا روز هه بعد که از قیمت خود خرید
مییشود اینها از این است که اگر این
صاحبان به بحث صحت بگیرم و شاهنشاه افلا
مستقیم مدارد بوقیغه اصلاح و اجرای او را شاهنشاه
بایست توجه کند هر دو از این بیشتر شاهنشاهی میروند
و بیانه از دست کانی که فکر میکنند دولت مال آنها را
بهر میگرد که وقت میوشد. مشکلات جناب آقای
هوشمندانه است اگر شرف و در این خدمت بملکت میشر
تیت میوشد بکنی از این بصره ها میگفتند از این
تفریح هر گونه یادانی معاشرت دولت و مؤسسات افلا
بکنی منوع است بدانچه چه جواب میدهند میفرمایند
توق میگویم برای اینکه دو نامه بیشتر دادند. شاهنشاهی
منه این هر چه را که از این است که تمام دیگر ترتیب
نماند در صفت صرفه جویی صحت میگویم جناب آقای وزیر
دارائی یکی از احتیاجات مجلس افلا یکی از احتیاجات
دولت شما یکی از مسائل کلی که اگر جاده شرکت میروند
بیش از سایر مسائل دارد و آن اینست که در حدود ۲۰۰۰۰۰
سال قبل بود. وقتی گرانندی را من اشتها میگویم از این
تا آخر وقت شاهنشاهی کلیت قانون را باید کرد و حقوق میونی
با مردم میهم. در وقت این میز دارد که میگویم میروند این

در ظن رفاهه کار میکند و با بیرو برای من نامه میبرد و
میخواند که اگر منظم من شاهنشاهی حقوق میهم و روشند
دتر بگر کرد. روز یکصد و ده رفاهه کار میکند روز همنه
میرود صباح کرج سقا حقوق نامه که باو دیده ام مذاق
احمدی - جزء است این را ضرر برای ملی شد این
افتخار که اشاره کرده ظنی کنید و به بیگانه مبارک
شاهنشاهی من حلایان را خود منظم کردید میگویم که
ما احتیاجات من است این یک امر تازه اجرا کردم وجه
منظم از اینها بسیار میوشد. هر چند برای نامین
زندگی هر چند دولت داده بودیم است ولی گرانندی
دولت صحت یکی دوجور از فریسته که از اینها در مال کلین
سابق من بهتر زندگی میکنی. مدارا که منظم دولت
نیاید ما میخواند که در این دستگاه من نیاید که چند هزار
فرد شاید صد یا دویست هزار فرد هینطور است آقای
دکتر آموزگار: (فکر آموزگار - جنابالی فرمودید
که ما نباید) کفر نیاید بیاید حال این یکی دوجور از
رضایت و خوشحالی من هیچ تأثیری در فکر مملکت ندارد.
بنابر این شده من شرکت از بیمه ۲۹ اشتداد یکی
یکی در امر ای که اجرا میکند هزاران ملت همنه
(سابق احمدی - افلا از دادگتری شروع شد
(شع الاسلامی) همان جامه خست بدو انجمنی کرده اینها
بسیار است ممکن است بکنی میماند این طرف خودی که
مکن است نمودار شد در بیاید مطلب خیلی گرفتار است
این افلائی که شاهنشاهی چه صورت افلائی صحت ای
جواب میدهند و تفریهای دولتی که ناشد در جهت
تیت موقتیت مقام شاهنشاهی است و در خدمت و استاید
در جهت نمای خست است بیاید بود دولت برای این
چیزها خرج نکند من بیاید بنده تیت که بیاید نامه
بیاید از امروز بیاید بوش اینکه مال و از من و اشتض
تا برید فقط برای اطلاع ملک ایران میگویم سد
افلا جان صلح بود. جاده اخلاصا صلح شد میگردی آقای
سلطان افلا که افلا کرد اما میماند بیاید اینها افلا
بدانست منم نماند این منم که خلاصه که بدر میگویم
دو روز بیاید بیاید شاهنشاهی. اموزین ای کارکنان رفاهه
ملت با عمو فریده بوش (صحیح است) هر حال چون
میوشد همنه که من بک شکست خوسی میگردی دولت
و از قیمت انانات بی اطلاع میباش شما با پول انانات
که در تبلیغ فرستادند بگر میبرد بیاید تمام

که مانند آبروی این مملکت را در پیشگاه برده اند همه و بنگهداری کنید اصحاب است. احزاب آقای وزیر ولی بیگانه بود. مدت بسیار در خارج هستند کن چرا که دست خرابه آفرین شده اجاره میدهد که خرج را کمتر کنید بپذیرد و در آنها را از بودنی کنید من راجع به مالیات کردن گفتنی میان مردم این جمله را از طرف ملت ایران عرض کند «کی در گفتند؟ آنها هر نوار مملکت ما هستند موکبب - هستند اسمی هم تغییر ولی اگر مثال بدهید بنام یکی برده اند را بیرون میگویند از دکن آموز کارمن آرزو و انتظار داشتیم میباید از اینکری که این کردن گفتند در فشار از مالیات ما استاده از متاوریشی که بر ممتنان سابق وزارت دارائی بوده انعام میدهند جنوگیری کنند نه اینکه لایحه مالیاتی بیازرد که از قروضی محمول کشاورزی است تا پنجاه درصد است تنقی میشود این اعلام ختم کشاورزی در مملکت خواهد بود و من یک کسی درخت کاشتم میبندم شما هنوز کشاورزیان به آن پایهای نرسیده که جز اجرت کار کرد روزان نغور که یک میبندم تا من نرساید (صحیح است) بروید سراغ بودغضای باقی بروید سراغ توسعه منشی. طبع ایران آنگاه پیش آفری شفته این مطالب را نه از زبان من کوچک ازید شاخته بزرگ در آرزو بگویند پیش از نتیجهات بپرده شما اثر دارد خواست شاخته و امنی خوانم ؟ بپرونده های بزرگ مالیاتی را تنقیب کنید و مالیات حقیقی را از کردن کلفت ها (آنها همی که راست میپوشند میگویند بقد حضور مبارک انجلیضرت همایونی بودیم به دروغ چه میپوشند میگویند انجلیضرت همایونی بدان نهایت دادند آنها موفقی خدمتگزار انجلیضرت هستند که از امر تراهی کنند خود میخوای است مالیات را بپرزاد (احسن) از کردن گفتند که بهیچوجه زیور مالیات نمیزورند بگریه عده ای هستند که تمام مناق مملکت بیپشتان فرود برود ولی حتی یک هزاره مالیات حقیقی خود را نمیزورند (عسری جواهر میخورد این سری جواهر میخورد دامن اضافه میگویند گلکسیون درست میبندند آقایان از نه دل شما دنام ملت ایران استاگر وقتان هم گرفته شود اجازه بهیچه بخوانم) (بمجازره مالیات حقیقی خود را نمیزورند و همیشه در فکر پیدا کردن دامطرفه و نمان هستند و باند به است از دادن مالیات

سرمای میزنند آنها همه جا مثل خرجی که دست انداخته اند در هر کاری بر پشت پید کوشش لاغشور روی آن مباحثه اگر جواب سؤال مربوط به شکری که حوز برود کرده بود مطرح شدمود شاید این پرونده بلقذری در رشت میشد این را بشده از خود میگویند از فرمایشات شاخته است ایسا که از تصویب نامه های سرمرامه دولت هم قبل از طرح مطلع میبوند) و هفت دستی آفر از سایرین میقیانند ولی در موقع دادن مالیات خود را در تحت سوراخ پنهان میکنند و مجهول المکان معرفی میبندند اینها با مالیات گرفت والا که بیبیزره که چیزی بخیر بساط نغارت که میبند آنها فتاد میا زورید آقا ذکر یگانه (عدای از نماینده کلان - تشریف ندادند) شامی که آمده بود در مجلس اجازه میخواستند که برای صدور اجرائیه قانونی بلاایح قانونی تعالیغ اقری که را بنایت مطالبات شهروندی مبلغ یکصد نفر شاخته به ستون فقرات اقتصاد مملکت یعنی طبقه وسط این است ولی آقای هویما امروز قید تمام قیافتما میطور است که سعی قبول احسان میگویم و بین اجازه میدهند که عرایض را بکنم در لایح شامی با موازری برای معافیت مالیاتی قانونی برای همین اشخاص است فرمایشات شاخته راجع معافیاتی تا اینجا خافه برید نمیکند من بیخ شش یادداشت دیگر هر داره ولی چون مسائل دیگر بیخ است این یادداشتها را بعقوت صدور کول میگویم هنوز بحث وزارت دارائی است جناب آقای دکتر آموزگار در غیابتان گفتند حرفتان گفتن این تفسیر بمعدای نیست حسن و طبقه شمس که همیشه در شما سراغ داشتند موجب احترام من بشما بوده ام موفق شدید که این حسن و طبقه شمس را تا چه درجه در قانونی بکنند بیخ بدهید (صادق احمدی - در فوق ماده مشکلی است شاخته) آقا بیاید مشکلی است مثل آن که که در سنگ خجاس مشکلی فرو میزور میبندم این کار مشکلی است ولی اگر از دکتر آموزگار هم انتظار نداشته باشیم چه میشود من شخص عقیده ام این است که آگی شما در این مطلب که به فضل در موقی بحث درباره وزارت آموزش در بر ش مسختن خواهد کرد هر چند تصدیق بیبا کنید تا در آرد احسان که اشاره کردید همسرات برای اینکه این در آمد اضافی بکار میاید

رئیس مجلس شورای ملی - هیئتش عیالیه ریاضی

مانده است ؟
والجواب - هنوز مقاری باقی مانده است.

ادامه به هیئت مجلس شورای ملی